

«فرهنگ بومی «ا»» (درس آزاد)

آموختنی‌ها

- ۱ آشنایی با فرهنگ بومی
- ۲ آشنایی با برخی رسوم اقوام کرد در «شب یلدا»
- ۳ آشنایی با فعل «گذشته» (ماضی)
- ۴ آشنایی با «ایرج میرزا» و آثارش
- ۵ شناخت راهکارهایی برای درست نویسی و تقویت املا



جعبه کلمات

کلمات مترادف

انجب: نجیب‌تر، ارجمندتر، شریف‌تر
 اطفال: جمع طفل، کودکان
 اشرف: گرامی‌تر، شریف‌تر
 ملل: جمع ملت

کلمات متضاد

پاک ≠ نجس
 جسم ≠ جان
 جسم ≠ روان، روح

کلمات هم خانواده

انجب، نجیب، نجابت
 اشرف، شریف، شرافت، تشریف، شرف
 حُب، حیب، محبوبه، محبوب

طفولیت: دوران کودکی

حُب الوطن: محبت دوطرفه، وطن دوستی

رایگان: مجانی

یقیناً: حتماً

قدیم ≠ جدید

دشمن ≠ دوست

اطفال، طفل، طفولیت

ایمان، مؤمن، امن، امانت، ایمان

شکر، تشکر، متشکر، شاکر

وطن ما به جای مادر ماست مادرِ خویش را نگهبانیم
 وطن ما برای ما مثل مادرمان می ماند و مانند مادر از آن محافظت می کنیم و از ما محافظت می کند
 شکر داریم که از کودکی تا به حال درس وطن دوستی را خوانده ایم و همچنان می خوانیم.
 خدا را شکر می کنیم که از کودکی تا به حال درس وطن دوستی را خوانده ایم و همچنان می خوانیم.
 چون که حُبِ وطن ز ایمان است ما یقیناً ز اهل ایمانیم
 از آنجا که وطن دوستی نشانه‌ی ایمان است ما به یقین اهل ایمان هستیم.
 گر رسد دشمنی برای وطن جان و دل، رایگان بیفشانیم
 اگر دشمن به وطن ما حمله کند جان و قلب خویش را بدون چشم داشتی فدای وطن می کنیم.

بخوان و بدان

نکته‌ی املا دان ۵
 کلمه‌ی «جزء» در زبان فارسی
 به معنای «به غیر از»
 استفاده می شود.
 مثال: در این شربت
جزء عسل، شیرین دلیلی
 اضافه نشده است.
 مثال: من جز کتان نقش دلیلی ندارم

به جمله‌های زیر توجه کن:
 کمی از آن را پای اجاق می ریختند.
 در شب چله رسم بر این بوده است.
 واژه‌های خط کشیده شده، معنی جمله را کامل می کنند و فعل جمله هستند.
 این جملات نشان می دهند که کار یا حالت و ویژگی‌ای در زمان گذشته روی داده است.
 فعل این جملات، زمان گذشته، را نشان می دهد.
 به فعل گذشته، می توان واژه‌ی «دیروز» یا «قبل» را اضافه کرد.
 مثال: «دیروز، آن را پای اجاق می ریختند.»
 به فعل گذشته، ماضی می گویند.

املا دان

«جزء» تغییر یافته‌ی واژه‌ی عربی «جزء» می باشد
 در فارسی تفاوتی ندارند هر دو کلمه به یک معنی هستند
 «جزء» وقتی به کار برده می شود که بخوانیم
 بگویم چیزی یا کسی بخشی از یک مجموعه یا بخشی
 از چیزی دیگر است.
 مثال: یوزبیلک ایرانی جزء حیوانات درحال انقراض است.

الف: جای خالی را با «جزء» و یا «جز» کامل کن:
 (۱) من به ... جزء ... تو با کسی مشورت نکردم.
 (۲) محمد جزء ... بهترین دوستان من هست.



مسئله: هوا از سه جزء اصلی السیّون، تسردن و بخار آب تشکیل شده است.

علوی

در دوران کرونا جزء در موارد ضروری از خانه خارج نمی‌شدم.

پ: یک بند با توجه به موضوع درس بنویس و از «جزء» و «جزء» در آن استفاده کن.

.....

.....

.....

.....

پ: در کدام گزینه، غلط املایی دیده می‌شود؟ آن را اصلاح کن.

(۱) چون که حبّ وطن ز ایمان است.

(۲) ما یقیناً ز اهل ایمانیم. اهل: شکل صحیح

تمرین

۱ واژه‌های هم‌خانواده را به هم وصل کن. (دو مورد، اضافی است.)



۲ درستی و نادرستی جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستی، درست آن‌ها را بنویس.

الف: مصراع «وطن ما به جای مادر ماست، جایگاه وطن را بالاتر از مادر دانسته است.»

پ: مصراع «همه با هم برادر وطنیم، به همبستگی تأکید دارد.»

پ: بیت «شکر داریم کز طفولیت / درس حبّ‌الوطن همی خوانیم، عشق به وطن را بالاتر از هر عشقی می‌داند.»

۳ در جاهای خالی، فعلی مناسب، قرار بده.

الف: بعضی چون دارو هستند که فقط گاهی به آن‌ها نیاز (داریم، داشتیم)

پ: باید صبر و تحمل تا به سلامت از دست آن‌ها رها شویم. (داشتیم، داشته باشیم)

